

صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی بر اساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

فهیمه یوسفی کیا*

فاطمه وجدانی**

مرضیه محمصی***

چکیده

تربیت، فرایندی پیچیده و مستلزم فعالیت تربیتی مربیانی است که آگاهانه و ماهرانه در این مسیر، به گونه‌ای مبتکرانه عمل می‌کنند؛ بر این اساس، شناسایی صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی به تربیت درست، پرورش دادن استعدادها، و ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا کمک می‌کند. هدف از پژوهش حاضر، استخراج و تبیین صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان در چهار محور هدف‌گزینی مناسب، خصلت‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های روشی از نظر آیت‌الله حائری شیرازی بوده و این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند اهدافی که مربی باید در تربیت مدنظر داشته باشد، عبارت‌اند از: شکوفاکردن شخصیت انسانی، استقلال‌یابی متری و کمال‌یابی معنوی؛ همچنین خصلت‌هایی که مربی باید در خود پروراند، شامل موارد ذیل هستند: ایمان، اخلاص، دانش‌اندوزی مداوم، وفاکردن به عهد و نظم‌گرایی. پنج مهارت ارتباطی‌ای که مربی باید در فرایند تربیت به کار گیرد، عبارت‌اند از: انعطاف‌ورزی، مدارا، محبت‌ورزی معتدل و بجا، پرهیز از رفتارهای آزاردهنده، و استحقاق‌محوری. در نهایت، نه روش تربیتی به دست آمده، شامل موارد ذیل است: تقویت تفکر، داستان‌گویی، بازی، پرسشگری، مهارت‌آموزی، اغماض از اشتباهات، تشویق‌کردن و جایزه‌دادن، تنبیه و کاهش دادن تدریجی کنترل بیرونی.

واژگان کلیدی: صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی، آیت‌الله حائری شیرازی، تربیت.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
fahime.yousefi.2016@gmail.com

** استادیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

f_vojdani@sbu.ac.ir

m_mohases@sbu.ac.ir

*** استادیار دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

بیان مسئله

مربی به عنوان مهم ترین عنصر در تربیت، نقشی کلیدی در پیشبرد فرایند یاددهی-یادگیری دارد و میزان شایستگی های فردی و حرفه ای وی بازده فرایند یاددهی-یادگیری را تعیین می کند. بزرگ ترین مزیت یک نظام آموزشی، بهره مندی آن از مربیانی شایسته، توانمند و دارای صلاحیت است که راه و رسم آموختن، اندیشیدن و زیستن را به دانش آموزان می آموزند و به خودسازی و دانش افزایی خویش نیز توجه می کنند. برای دستیابی به این هدف باید صلاحیت های مورد نیاز مربیان به صورت کلی شناسایی و تعریف شود (صادق بیگی و رضایت، ۱۳۹۷، ص. ۷۵).

به اعتقاد کارشناسان، در حال حاضر، وضعیت نسل جوان و نوجوان در کشور ما به لحاظ تربیتی با وضع مطلوب فاصله دارد و بنابراین نمی توانیم به ثمره ای مطلوب از دستگاه تعلیم و تربیت خود دست یابیم؛ البته نظام آموزشی کشور ما ضعف های گوناگونی دارد؛ مانند حجم زیاد کتاب های درسی که باعث می شود در طول سال تحصیلی، معلم بیشتر در صدد به پایان رساندن کتاب باشد و در این حالت، طبیعتاً کیفیت قربانی کمیت می شود؛ همچنین معلم برای جلوگیری از انباشتگی مطالب، به صورت مستمر، آزمون های شفاهی و کتبی برگزار می کند و این مسئله نیز سبب بروز نگرانی هایی برای کسب نمره در دانش آموزان می شود (احمدی مهر، ۱۳۹۷). کنکور محوری هم از دیگر اشکالات نظام آموزشی در کشور ماست و بخش مهمی از مشکلات و آسیب های نظام تربیتی نیز در ناآگاهی مربیان یا برخوردار نبودن آنان از تخصص و مهارت کافی ریشه دارد (وجدانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۴۱)؛ در حالی که معلم و مربی، مهم ترین عنصر در نظام آموزشی محسوب می شود و حتی می تواند با تخصص و مهارت خود، بخشی از دیگر کاستی های نظام آموزشی را نیز جبران کند؛ بر این اساس، اهمیت نظام تربیت معلم، روشن تر می شود.

کارشناسان، ایجاد تحول در نظام های تربیت معلم را پیش نیاز تحقق یافتن هرگونه تغییر در نظام های تعلیم و تربیت می دانند (نبوی، ۱۳۹۲). مربیان گاه به دلیل نداشتن دانش ها و مهارت های لازم، به جای پرداختن به شیوه های صحیح تربیتی، اقداماتی انجام می دهند که در نتیجه آن ها نه تنها تربیت افراد اخلاق مدار تحقق نمی یابد؛ بلکه گاه دانش آموزان از

ارزش‌ها فاصله می‌گیرند و فرجام کار، کاملاً مغایر با اقدامات مربیان است (کمساری، ۱۳۹۲، ص. ۸). به گفته کارشناسان، متأسفانه در حال حاضر، وزارت آموزش و پرورش بدون درک حساسیت حرفه و هنر معلمی، عجولانه به جذب نیروی موردنیاز با استفاده از شیوه‌های مختلف اقدام کرده است و درصد قابل توجهی از افراد جذب‌شده، مهارت‌های لازم در زمینه تعلیم و تربیت را ندارند. در واقع، این افراد با علاقه قلبی بسیار ناچیز به معلمی و تنها برای رهایی یافتن از بی‌کاری، وارد این حرفه مقدس شده‌اند که اساس آن، عشق و توانمندی علمی و فردی است؛ بنابراین باید اقرار کرد که درصدی مهم از عقب‌ماندگی‌های صورت‌گرفته در این زمینه، مخصوصاً در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته، ناشی از همین سوءمدیریت در جذب نیروی انسانی بوده است (احمدی‌مهر، ۱۳۹۷). علاوه بر وجود اشکال‌هایی در نحوه جذب معلم و مربی، آموزش‌های ضمن خدمت نیز کیفیت خوبی ندارند. در سند و منشور اصلاح نظام آموزش و پرورش، از جمله آسیب‌ها و موانع در زمینه انتخاب و جذب معلم، منزلت و مسئولیت‌های معلم، مواردی به شرح ذیل ذکر شده است: نداشتن سیاست‌های اصولی برای حفظ و نگهداری معلمان، و ارتقای عملکرد آنان در آموزش و پرورش؛ گزینش و جذب نیروهایی با بنیه علمی و تخصصی ضعیف؛ ضعف معلمان در مهارت‌های حرفه‌ای و به‌کارگیری روش‌های نوین برای تدریس؛ پایین بودن سطح علمی و حرفه‌ای معلمان برای مدیریت و رهبری کلاس درس؛ برخوردار نبودن معلمان از آموزش مداوم؛ نبود زمینه مساعد برای یادگیری مداوم و تبادل اطلاعات و تجربیات در میان معلمان؛ مقاومت کردن معلمان در مقابل روش‌های آموزشی نوین به سبب برخوردار نبودن آنان از آموزش‌های لازم (صافی، ۱۳۸۵، ص. ۷۸)؛ البته احراز صلاحیت‌های لازم برای مربی‌ای که قرار است کل ساحت‌های شخصیتی و روح و جان متربیان را پرورش دهد، مستلزم برخورداری وی از مهارت‌های بیشتری است و یکی از دلایل بروز این کاستی‌ها را می‌توان فقدان شاخص‌های ویژه برای تعیین صلاحیت‌های فردی دانست که قرار است تربیت متربیان را برعهده گیرد.

در واقع، مربیگری، یک تخصص است که خود، مجموعه‌ای پیچیده از آگاهی‌ها و مهارت‌ها را می‌طلبد (وجدانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۳)؛ لذا باید مربیگری را یک حرفه

بدانیم؛ نه صرفاً یک شغل برای کسب روزی؛ بر این اساس، شخص حرفه‌ای یعنی کسی که مدبر و دارای دانش، بینش، منش و روش حرفه‌ای باشد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص. ۱۶۹). این فرد درزمره گروهی خاص از افراد قرار دارد که دارای آرمان خدمتی ارزش‌مدار و برخوردار از دانش حرفه‌ای در رشته خود هستند؛ بنابراین باید هم از ارزش‌ها و آرمان‌های خدمتی آگاه باشد و هم از واقعیت حرفه اطلاع داشته باشد (اسلامی، دبیری و علی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۸۹). برای دستیابی به تربیت مؤثر، مربی باید در کار خود، حرفه‌ای باشد و شناخت این بینش‌ها، گرایش‌ها، مهارت‌ها و به عبارتی صلاحیت‌ها لازم است تا با استفاده از آن‌ها در مراحل بعدی (در نهادهای تربیت معلم و مربی) بتوان این شایستگی‌ها را در مربیان به وجود آورد.

مجموعه این ویژگی‌ها را می‌توان صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی نامید. صلاحیت به مجموعه‌ای از دانش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و دیگر خصوصیات شخصی فرد دارای حرفه اطلاق می‌شود که با عملکرد شغلی او همبستگی دارد و بر شغل وی اثر می‌گذارد، می‌توان آن را در مقایسه با استانداردهای کاملاً پذیرفته شده اندازه‌گیری کرد و از طریق بازآموزی و تجربه توسعه و بهبود یخشید؛ از این روی، صلاحیت، تضمین‌کننده موفقیت است (صائمیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۰).

از سوی دیگر، حرفه عبارت از اشتغالی با مؤلفه‌ها و ویژگی‌های خاص بدین شرح دانسته شده است: کسب روزی از طریق اشتغال؛ خدمت‌محوری و مفیدبودن یا مطلوبیت اجتماعی؛ برخورداری صاحب حرفه از دانش، مهارت، توانایی، استقلال (خودمختاری)^۱ و میزانی قابل توجه از اقتدار (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص. ۶-۷؛ Freidson, 2001; Myyry, 2003).

لذا صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی به مجموعه شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌هایی گفته می‌شود که وی با کسب آن‌ها می‌تواند در فرایند تعلیم و تربیت به پرورش جسمی، عقلی، عاطفی، اجتماعی و معنوی متریبان کمک کند. این صلاحیت‌ها را می‌توان در سه حیطه شناختی، عاطفی و مهارتی طبقه‌بندی کرد. منظور از صلاحیت‌های شناختی، مجموعه آگاهی‌ها و مهارت‌های ذهنی‌ای است که مربی را در شناخت و تحلیل مسائل

و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت، توانایی می‌بخشد. صلاحیت‌های عاطفی، عبارت از مجموعه‌گرایش‌ها و علایق مربی به مسائل و موضوعات مرتبط با تعلیم و تربیت است و صلاحیت‌های مهارتی با مهارت‌ها و توانایی‌های علمی مربی در فرایند یادگیری مرتبط می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴).

آیت‌الله حائری شیرازی از استادان برجسته حوزه‌های علمیه، بخشی مهم از زندگی خود را برای تألیف کتب تربیتی و همچنین تعلیم و تربیت افراد در کلاس‌های درس خویش صرف کرده است و از طریق کاوش و استنباط محتوای کلام ایشان می‌توان به ویژگی‌ها و شاخص‌های اصلی مربیان از منظر این متفکر دست یافت. حدود سی کتاب به ایشان منتسب شده که از میان آن‌ها در این کتاب‌ها به صورت روشن، به موضوعات تربیتی پرداخته شده است: *مربی و تربیت؛ تربیت دینی کودک؛ جاری حکمت؛ انسان الهی؛ تعلق، محور تحول در انسان؛ اخلاق اسلامی؛ حکومت جهانی خدا؛ نکات اعتقادی و اخلاقی.*

ایشان درباره اهمیت تربیت می‌فرمایند:

امروزه، تعلیم و تربیت از مسائل بسیار مهم عالم است و اساس امنیت عالم به تعلیم و تربیت برمی‌گردد؛ بنابراین، اگر انسان‌ها بد تعلیم و تربیت شوند، ابزار تهاجم فرهنگی خواهند شد و اگر عالم بخواهد از این وضعی که در آن هست، آزاد شود، آن آزادی درگرو اصلاح روش تعلیم و تربیت است. با اصلاح این روش، علما و دانشمندانی ظهور خواهند کرد که عالم به واسطه آن‌ها اصلاح خواهد شد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۱).

با مطالعه و بررسی آثار تربیتی - اخلاقی این استاد برجسته می‌توان به تبیین ویژگی‌ها و صلاحیت‌های یک مربی خوب و اثرگذار دست یافت. تاکنون، تحقیقی در این زمینه، درخصوص آثار آیت‌الله حائری انجام نشده؛ اما درباره ویژگی‌های یک معلم خوب به‌طور کلی، پژوهش‌هایی انجام شده است؛ مانند: شعبانی، ۱۳۸۳؛ میثاقیان اردکانی، ۱۳۸۵؛ نیکنومی و کریمی، ۱۳۸۸؛ فلّاح، ۱۳۹۱؛ میریونسی، ۱۳۹۴؛ صادق بیگی و رضایت، ۱۳۹۷. برخی تحقیقات این حوزه نیز با رویکرد اسلامی انجام شده‌اند؛ مثلاً کهنو کهر (۱۳۸۴) ویژگی‌های مربی را از منظر اسلام بررسی و در پژوهش خود، به مفاهیم تربیت و مربی، و همچنین اهداف مربیان از تربیت، و عوامل و ویژگی‌های

شخصیتی مربی اشاره کرده؛ ولی مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های مرتبط با روش‌های آموزشی-تربیتی، مدنظر وی نبوده است. وجدانی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود، ویژگی‌های مربی را از منظر روایات بررسی کرده و نتیجه گرفته است مربی باید در پنج محور دانایی و بصیرت، عاملیت، انگیزه الهی، شخصیت مثبت و اثرگذار، و به‌کارگیری اصول و روش‌های نیکو، به توانایی و شایستگی لازم دست یابد. بهروز (۱۳۹۴) در پژوهش خود، به تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام براساس قرآن و روایات پرداخته و به برخی ویژگی‌های مربی، شامل برخورداری از تناسب روان و بینش با مربی، صداقت در عمل، برخورداری از خلق نیکو، برقراری رابطه مؤثر با مربی و داشتن صلاحیت علمی اشاره کرده است. غلام‌علی‌پور (۱۳۹۷) در پژوهش خود، ویژگی‌های شخصیتی مربی مانند حسن‌نیت، مهربانی، فروتنی، گذشت، عدالت و احترام را مطرح و بر تشویق و نصیحت‌کردن مستمر متریان تأکید کرده است.

در مجموع، در تحقیقات پیشین، برخی صلاحیت‌ها و مهارت‌های شخصیتی مربیان بررسی شده؛ اما به‌طور جامع، به صلاحیت‌های حرفه‌ای یک مربی، به‌ویژه از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی پرداخته نشده است؛ لذا هدف از پژوهش حاضر، استخراج و تبیین صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان از نظر آیت‌الله حائری شیرازی است تا براساس آن، در پژوهش‌ها و اقدامات بعدی، برنامه‌های تربیت معلم اصلاح یا تکمیل شود. سؤالات اصلی پژوهش بدین شرح‌اند:

- براساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی، مربی باید چه هدفی از تربیت داشته باشد؟

- آیت‌الله حائری شیرازی چه خصلت‌های شخصیتی‌ای را برای مربی، ضروری می‌دانند؟

- براساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی، مربی باید مجهز به چه مهارت‌های ارتباطی‌ای با مربی باشد؟

- در اندیشه آیت‌الله حائری شیرازی، مربی باید به چه روش‌های تربیتی‌ای مسلط و مجهز باشد؟

روش پژوهش

تحقیق پیش‌روی از نوع کاربردی است و برای انجام‌دادن آن از روش توصیفی - تحلیلی به شیوه اسنادی استفاده کرده‌ایم. جامعه پژوهش، کلیه کتاب‌های آیت‌الله حائری شیرازی بدین شرح را شامل می‌شود: تربیت دینی کودک، اخلاق اسلامی، مربی و تربیت، تفکر، تعلق، حکومت جهانی خدا، انسان الهی، جاری حکمت و تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر. با عنایت به اینکه هدف از پژوهش حاضر، استخراج و تبیین صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان از نظر این استاد بوده است، برای انجام‌دادن پژوهش، ابتدا کلیه آثار یادشده را مطالعه و بررسی تحلیلی، و کدهای اولیه را استخراج کردیم؛ آن‌گاه داده‌ها را با هدف پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش تجزیه و تحلیل و سپس طبقه‌بندی کردیم.

یافته‌های پژوهش

بر اساس نظرات آیت‌الله حائری شیرازی، صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان را می‌توان در قالب چهار محور به شرح ذیل دسته‌بندی و تبیین کرد:

۱. هدف‌گزینی مناسب

مربی باید هدف خود از مداخلات تربیتی را مشخص کند. با توجه به دیدگاه آیت‌الله حائری، چشم‌انداز مطلوب در مرتبه‌ای را می‌توان بدین صورت در نظر گرفت:

۱-۱. شکوفا کردن شخصیت انسانی

مربی باید پس‌از درک ارزش وجودی انسان، این موضوع را به مرتبه‌ای نیز منتقل کند؛ مثلاً وقتی هدف انسان از درس‌خواندن، رسیدن به پست و مقام در جامعه باشد، باید بداند که رسیدن به آن، بر حسب ظاهر، پیروزی و موفقیت است؛ ولی در باطن، لغزشگاه و پرتگاهی بیش نیست؛ زیرا پذیرفتن مسئولیت یک جامعه، بسیار دشوار است و به همین سبب، این پیروزی برای بعضی افراد، در واقع، بدترین نوع شکست به‌شمار می‌آید (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۳۵).

در ادیان مختلف، انسان‌سازی بر پایه معرفی حقیقت انسان صورت می‌گیرد؛ به نحوی که انسان در طول حیات خویش، از خود غافل نمی‌شود. مربی نیز موظف است ارزش حقیقی انسان را یادآور شود تا مرتبه‌ای خود را گم یا فراموش نکند و یا از خود بیگانه

نشود؛ در غیر این صورت، وی دچار انحراف خواهد شد. یکی از عوامل از خود بیگانه شدن و خود را گم کردن، حب دنیا است. در واقع، وقتی انسان عابد دنیا شود، دنیا او را کوچک می‌کند؛ لذا شیوه تربیتی قرآن بدین صورت است که بزرگی و ارزش وجودی انسان را به وی یادآوری می‌کند تا او شیفته پستی دنیا نشود (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۴۷)؛ بنابراین، نتیجه تربیت مریبان، زمانی نمایان می‌شود که انسان‌ها در وضعیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرار گیرند و از اصل وجود خویش و مبدأ و مقصد نهایی‌شان غافل نشوند.

آیت‌الله حائری شیرازی می‌فرماید:

وقتی انسان به فلسفه چیزی پی ببرد، احکام و مسائل جزئی آن را نیز می‌تواند تشخیص دهد. مربی وقتی به فلسفه وجودی تنبیه پی ببرد، درمی‌یابد که تنبیه برای ایجاد شخصیت متربی است؛ نه سلب شخصیت وی؛ به این صورت که مربی با زبان تنبیه، متربی را متوجه خطایش می‌کند که نشان‌دهنده اهمیت بخشیدن به وی می‌باشد؛ در غیر این صورت، اگر برای متربی ارزش قائل نباشند، از خطای او می‌گذرند؛ بنابراین، مربی موظف است بدانند که گذشت ترحمی، خردکننده شخصیت و تنبیه احترامی، اعاده‌کننده شخصیت متربی می‌باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۵).

لذا یکی از اهداف واقعی تربیت، شکوفاشدن انسانیت در فرد است.

۲-۱. استقلال یابی متربی

از دیگر اهداف تربیت، استقلال یابی متربی است. برای مستقل شدن متربی، مربی باید وی را به سمت خودآگاهی سوق دهد تا از این طریق، متربی مهارت‌های خود را بشناسد.

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند خودکفاکردن متربی از اهداف اصلی تربیت است؛ به طوری که مربی باید به تدریج از متربی فاصله گیرد تا متربی تسلط خود بر غرایزش را حفظ کند؛ بنابراین، رسیدن به خودکفایی باید مبتنی بر خودآگاه کردن فرد صورت گیرد و کمک‌های مربی به متربی از نوع تاکتیکی باشد؛ بدین ترتیب، استقلال فکری متربی، اساس تربیت است و تذکرها، پیشنهادها و فشارها تاکتیک‌هایی برای ایجاد استقلال و خودکفایی در متربی به‌شمار می‌آیند؛ به طوری که وی به حکومت مستمر بر نفسانیتش

دست یابد؛ لذا تنبیه، تذکر و اقدامات نظیر آن‌ها نباید به صورت یک شیوه درآیند؛ مثلاً در مداوای بیماری‌های جسمی، اطبا دریافته‌اند اساس مداوا دارو نیست؛ بلکه اصل، مقابله با بیماری است و دارو باید به صورت تاکتیکی و فرعی به بیمار تزریق شود (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۶).

به عقیده ایشان، مربی نباید مرتبی را مرید خود کند؛ زیرا در این صورت، مرتبی دچار وابستگی می‌شود و نمی‌تواند از اندیشه خود استفاده کند. اینکه مرتبی گفتار مربی را بی‌درنگ بپذیرد، خطرناک است؛ بنابراین، مربی باید صرفاً ملاک‌هایی را به مرتبی بدهد تا وی خود با استفاده از بصیرت و تفکر تصمیم بگیرد. مرتبی نباید به صورت کورکورانه و بدون علم و آگاهی، از کسی تقلید کند و مربی موظف است با در نظر گرفتن رضای الهی، ملاک سنجش خوب از بد را به وی بیاموزد؛ بنابراین، اگر مرتبی الگوهای منفی را شناسد و از آن‌ها پیروی کند، گمراه می‌شود و آسیب می‌بیند. مربی باید ملاک صحیح برای سنجش را به مرتبی آموزش دهد و از تحمیل کردن نظر شخصی خود به وی بپرهیزد. انبیا به عنوان الگوها و مربیان اصلی بشر، به مردم بصیرت می‌دادند و ملاک‌هایی را در اختیارشان می‌گذاشتند تا آنان با استفاده از این ملاک‌ها خود قضاوت کنند و نتیجه بگیرند؛ بدین ترتیب، راهنمایی کردن مرتبی باید در حد ملاک‌دادن به وی باشد و نتیجه‌گیری به جای او صحیح نیست؛ زیرا با این کار، مرتبی ناتوان می‌شود و اگر زمانی به مربی خود بی‌عقیده شود، ممکن است به تمام آنچه از وی شنیده است، شک کند؛ در مقابل، چنانچه مرتبی مطالب را با استفاده از ملاک‌ها بیاموزد و خود نتیجه بگیرد، هیچ‌گاه اعتقاداتش را از دست نمی‌دهد؛ از این جهت، مربیان باید با استفاده از برنامه، استقلال مرتبی را محفوظ نگاه دارند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶، الف، ص. ۱۸۸) و پایداری استقلال مرتبی، فقط در صورت اعطای ملاک صحیح به وی از سوی مربی، میسر است.

۳-۱. کمال‌یابی معنوی

قلب انسان، حریم الهی است و برای جلوگیری از آلوده شدن این حریم، انسان نباید غیرخدا را به آنجا راه دهد. امیدبستن به غیرخدا (حتی علم و عبادت خود)، موجب انحراف انسان و آسیب دیدن وی می‌شود. انسان باید دل را از عوامل غفلت از خدا

خالی کند؛ زیرا این غفلت، خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر را در پی دارد و در نهایت، موجب هلاکت انسان در دنیا و آخرت می‌شود؛ بنابراین، مربی نباید خود را مصون از غفلت بداند؛ بلکه باید همواره مراقب باشد تا دچار غفلت‌زدگی نشود؛ چون غفلت مربی، گمراه‌شدن خود او و متربی را به دنبال دارد. آیت‌الله حائری شیرازی در این زمینه فرموده‌اند:

دل هنگامی حرم الهی می‌شود که خوف و رجای انسان، الهی باشد و وابسته به دیگری نباشد؛ بنابراین، در دل انسان باید توحید حاکم باشد و شرکی در آن نباشد. انسان اگر به کسی غیر از خدا امید داشته باشد و یا دل ببندد، خداوند او را ناامید از خدمت کردن آن فرد می‌کند. انسان اگر به ایمان واقعی برسد، غیر از خداوند، امید و خوفی در دل ندارد و همچنین غیر از او کسی را گره‌گشای این عالم نمی‌داند (حائری شیرازی، ۱۳۹۵، ص. ۴۲).

ایشان معتقدند انسان باید مراقب حیات قلبش باشد و نگذارد دلش بمیرد تا بتواند آن را بستری برای اعمال صالح قرار دهد؛ مثلاً کافی است انسان یک روز، با علم به اینکه وقت نماز شده، نمازش را اول وقت نخواند تا دلش بمیرد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۷۸).

اگر انسان مالکیت خدا بر همه چیز و همه کس را باور کند، دچار تشویش و نگرانی نمی‌شود و عالم را هدفمند و برخوردار از برنامه‌ای مدیریت‌شده می‌بیند که در آن، همه امور به خدا بازمی‌گردند؛ بدین ترتیب، وی خود را در ساحل آرامش حکومت خدا می‌یابد (حائری شیرازی، ۱۳۹۵، ص. ۹). ایشان درباره این مسئله با ذکر مثالی فرموده‌اند اگر به جامی فلزی که در حالت آزاد است، ضربه‌ای وارد شود، آن جام تا مدتی ارتعاش خواهد داشت؛ ولی اگر جام را با دست بگیریم و ضربه‌ای به آن وارد کنیم، دیگر ارتعاشی ندارد؛ به همین صورت، انسانی که خدا را تکیه‌گاه خود قرار ندهد، با یک ضربه، آرامش خویش را ازدست می‌دهد و تا مدت‌ها مضطرب، سردرگم و حیران می‌ماند؛ اما کسی که متکی به خداست و دلش به او آرام شده و خدا هم او را در آغوش گرفته است، درمقابل ضربات، مضطرب نخواهد شد و آرامش خویش را حفظ خواهد کرد (حائری شیرازی، ۱۳۹۵، ص. ۵۳).

۲. خصلت‌های شخصیتی لازم برای مربی

به‌طور کلی، مربی، قبل از اقدام کردن به تربیت متربی باید تربیت را از خود شروع کند، تهذیب نفس خویش را در اولویت قرار دهد و خود، عامل به دستورهای اخلاقی باشد تا در مرحله بعد، گفتارش بر متربی اثر بگذارد. آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند اولین اقدام مربی این است که روی خودش کار کند و مسائل را در خودش حل کند؛ در این صورت، ندای او بر دیگران اثر می‌گذارد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۲۰۸). اگر مربی در وهله نخست، خصوصیات اخلاقی و شخصیتی مناسب را در خویش بیوراند، هم خودش ساخته می‌شود و هم اقدامات تربیتی او مؤثر واقع می‌شوند. اثر تربیت طبیعی، آن است که مربی هم کسب نور می‌کند. با توجه به نظرات آیت‌الله حائری، مربی باید از خصوصیات به شرح ذیل برخوردار باشد تا بتواند بر متربی اثر مطلوب بگذارد:

۲-۱. ایمان

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند بدان سبب که رابطه مربی مؤمن با خدا محفوظ است، کلام او ارزش می‌یابد و هر دلی که این کلام در آن قرار گیرد، رشد می‌کند. اگر انسان خدا را در نظر نگیرد، به فردی تاجر و خودخواه تبدیل می‌شود. ایمان حقیقی، مربی را تحت سیطره خود می‌گیرد، از حاکمیت یافتن غرایز بر او جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود وی به میزان لازم، متربی را تنبیه و تشویق کند؛ بنابراین، ایمان از تنبیه غیرطبیعی متربی نیز جلوگیری می‌کند و به صورت طبیعی و خودکار، برنامه تربیتی مربی را تنظیم می‌کند. در واقع، عامل تنظیم‌کننده برنامه مربی در تربیت متربی، ایمان است. در فرایند تربیت، مربی به سبب ایمانش تحت تأثیر تذکرات خویش قرار می‌گیرد و وقتی متربی را نصیحت می‌کند، خودش هم اثر می‌پذیرد. همین مسئله به نوبه خود، اثر تربیت را دوچندان می‌کند و در نهایت، در نتیجه ایمان، قول و عمل مربی، یکسان و موازی با یکدیگر می‌شوند. در واقع، ایمان، به تمام افعال و رفتارهای انسان، حاکمیت جامع می‌دهد و وقتی یک نیروی واحد بر انسان حاکم شود، قول و فعل، ظاهر و باطن، و جامعه و درون منزل با هم موازی می‌شوند؛ در این صورت، متربی این موازات را می‌بیند و از آن اثر می‌پذیرد و ایمانش شکوفا می‌شود. پدر یا مربی، زمانی متربی را به

ایمان و باور نزدیک و نزدیک‌تر می‌کنند که خودشان در محیط تربیت و خارج از آن، افعالی هماهنگ با گفتارشان داشته باشند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۱۹-۱۲۲). ایشان در این زمینه فرموده‌اند:

انسان وقتی به خطا می‌رود و از دشمن درونی خود ناآگاه است، لذا عوامل بیرونی را مقصر می‌داند. ویژگی‌هایی در درون هر فردی هست که زمینه‌ساز اثرپذیری از اطرافیان یا دوستان وی می‌باشد که ممکن است منجر به آسیب وی شود؛ به عبارتی، محور دوستی‌های انسان، ریشه‌های اخلاقی درون انسان است و ویژگی‌های درونی وجود انسان است که زمینه دوستی‌های بیرون را فراهم می‌کند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ ب، ص. ۴۸-۵۰).

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند سخن‌گفتن مربی نیز باید موحدانه باشد. منظور از توحید، این است که انسان منشأ همه خیرات را خداوند متعال بداند و شرور را به خدا نسبت ندهد؛ زیرا سیئات از نفس انسان و حسنات از جانب خدا هستند؛ بنابراین، علت بروز ظلمت، پشت‌کردن انسان به خداست؛ اما حسنات، ناشی از نور عقل‌اند و نور هم از جانب خداست (حائری شیرازی، ۱۳۹۵، ص. ۲۲-۲۳).

۲-۲. اخلاص

به اعتقاد آیت‌الله حائری شیرازی، اگر هدف مربی از یادگیری دانش، خودنمایی باشد، وی موفق نخواهد شد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۳۴)؛ همچنین این خودنمایی هنگام حرف‌زدن باعث می‌شود اثر سخن بر فطرت شنونده کاهش یابد؛ لذا مربی باید از این کار اجتناب کند و با مربی، رفتاری خالصانه، صادقانه و از سر وظیفه‌شناسی داشته باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۲۱-۱۲۲). مربی اگر بخواهد به صورتی خالصانه و صادقانه با مسائل روبه‌رو شود، فطرتش از آن مسائل آگاهی می‌یابد و نیازی نیست وی مطالب زیادی را فراگیرد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۲۱۲)؛ زیرا اخلاص و تقوا بر آگاهی افراد اثر می‌گذارند و می‌توان آن‌ها را از ظرافت‌های تربیتی دانست؛ بنابراین، اگر مربی خلوص نیت داشته و هدف از قول و عملش تنها رضای خدا باشد، فطرت وی از آن مسائل آگاه می‌شود و تعالیم تربیتی‌اش بر دل مربی اثر چشمگیر می‌گذارد.

۲-۳. دانش‌اندوزی مداوم

مربی نباید خود را از یادگیری و تکمیل دانش، بی‌نیاز بداند؛ زیرا دانش‌اندوزی توأم با تربیت، جزء جدایی‌ناپذیر مربیگری است. در فرایند تربیت، متربی باید از دانش و تجربیات دیگران نیز استفاده کند و درصدد افزایش دادن دانش و آگاهی خود باشد. اگر مربی از تجربه و دانش دیگران بهره نبرد، ناگزیر خواهد بود عمر خود را برای آزمون و خطا و تجربه شخصی صرف کند و در نتیجه، زمان و فرصت‌ها را از دست خواهد داد؛ در غیر این صورت، باید احتمالات را بپذیرد و این کار هم عاقلانه نیست.

آیت‌الله حائری شیرازی درباره این مسئله فرموده‌اند انسان اگر بخواهد در مسیری مقاومت و مداومت کند، باید بر آن مسیر، احاطه کامل داشته باشد و این مقصود جز با صبر و استقامت به دست نمی‌آید. دو عاملی که انسان را پُرتوان می‌کنند، احاطه خبری و آگاهی هستند؛ بنابراین، هرکس محیط شد، ایستادگی‌اش نیز افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، کم‌صبر بودن افراد در کم‌بودن آگاهی آنان ریشه دارد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶، ص. ۳۵-۳۶).

از طرفی عمل کردن به علم، ادب دریافت علم است؛ بدین صورت که هرکس به علم خویش عمل کند، آنچه را نمی‌داند نیز به وی می‌آموزند. حتی در خردسالی نیز با وجود کم‌بودن سن، خداوند متعال به انسان، علم می‌آموزد تا او به زشتی‌های مسائلی همچون خیانت و تصرف مال غیر پی ببرد و سپس در عین خردسالی، سخنان حکیمانه بر زبان آورد؛ بنابراین، کلید قفل‌های علم، عمل کردن به علم است (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، الف، ص. ۷۹).

۲-۴. وفا کردن به عهد

مربی باید در قبال وعده‌هایی که به متربی می‌دهد، احساس مسئولیت داشته باشد و به آن وعده‌ها عمل کند و بر اساس فرمایش آیت‌الله حائری شیرازی، خود را مسئول عمل کردن به آن‌ها بداند؛ زیرا متربی، مربی را رازق خویش می‌شمارد و به او اعتماد می‌کند. همین مسئله سبب می‌شود در آینده نیز به رازق اصلی اعتماد کند و او را بپذیرد. طفل به صورت طبیعی به دنبال رازق می‌گردد و اولین رازقی که می‌بیند، مربی اوست؛ پس اگر قرار باشد به رازق خویش وفادار و با او صادق و صمیمی باشد، در اولین قدم باید با

مربی و والدینش صمیمیت یابد. بعدها که کودک خدا را شناخت، با همین سبک، به حرفش عمل می‌کند و حقیقت را می‌شناسد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۲۱۵).

۲-۵. نظم‌گرایی

مربی با رعایت‌کردن نظم در تمام فعالیت‌های خود، بر متری اثری چشمگیر می‌گذارد و باعث می‌شود وی نیز الگوبرداری کند و در تمام افعالش نظم داشته باشد. آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند اگر مربی خود را به‌گونه‌ای تربیت کند که نظم داشته باشد، خودبه‌خود در سخن‌گفتن، نگاه‌کردن، خندیدن و... مقید می‌شود و بدون اینکه سخنی بگوید، انضباطش در دانش‌آموز انعکاس می‌یابد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۲۲).

انسان بدان سبب که وجودش دو بُعد نفسانی و عقلانی دارد، زمانی نظم پیدا می‌کند که یکی از این دو بُعد بر دیگری حاکمیت یابد؛ مثلاً وقتی نفس به‌گونه‌ای بر عقل مستولی شود که برنامه‌ریزی و اجرا تحت تأثیر نیات و آرزوهای نفسانی باشد و عقل مزاحمی در کار نباشد که در آن، خللی وارد کند، نظم برقرار می‌شود و تمام مسائل با یکدیگر هماهنگ می‌شوند.

نظم یعنی یک هدف اساسی موجود باشد و تمام مواضع را در خطوط مربوط آن هدف، جای‌گذاری کرد. این‌چنین انسانی رفتار و کردارش دقیق و بموقع می‌شود؛ لیکن در خط، حظ نفس است و درمقابل، اگر عقل بر نفس حاکم شود و آرزوی تعالی و تقرب بر نفس استیلا پیدا کرد، در این صورت، نظم برقرار می‌شود؛ بنابراین، وقتی انسان تحت تأثیر یک نیرو قرار گیرد، حرکتش مستقیم‌الخط و منظم می‌شود (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۲۵۲).

آیت‌الله حائری شیرازی درباره این مسئله فرموده‌اند اگر انسان برنامه‌ریزی مستمر نداشته باشد، در زندگی موفق نمی‌شود و بر این اساس، برنامه‌ریزی مستمر، نیازمند استقرار یافتن حکومتی جامع در وجود انسان است. انسان یا باید حاکمیت دنیا و آرزوی دنیوی را بپذیرد و آخرت را فراموش کند و یا باید آخرت را بپذیرد و برنامه‌هایش را طبق آن تنظیم کند تا برنامه‌های بعدی او فرمان‌های قبلی را نقض نکنند؛ در غیر این صورت، وی نه تنها از آخرت، بلکه در دنیا هم بی‌نصیب می‌ماند (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۲۶۰).

بنابراین، تربیت فرایندی است که بر پایه برنامه‌ریزی صحیح شکل می‌گیرد و چنانچه مربی برنامه‌ریزی صحیحی داشته باشد، می‌تواند در موقعیت‌های مختلف و حتی پیش بینی‌ناپذیر، از راهکارهایی مناسب درحوزه آموزش استفاده کند.

۳. مهارت‌های ارتباط با مربی

مربی باید بتواند ارتباط خوبی با مربیان برقرار کند و درواقع، نخستین گام در اثرگذاری تربیتی، ارتباط است. بر مبنای دیدگاه آیت‌الله حائری، مهارت‌های ارتباطی لازم برای مربی بدین شرح‌اند:

۳-۱. انعطاف‌ورزی

مربی برای اینکه بتواند رابطه خوبی با مربی برقرار کند، باید از استبداد پرهیزد؛ زیرا اگر وی فردی مستبد باشد، مربی را به تبعیت از خود وادار می‌کند و موجب بروز اختلال در رشد عقلانی او می‌شود؛ همچنین اطاعت‌نکردن مربی از مربی، تنبیه و مجازات مربی را در پی دارد.

آیت‌الله حائری شیرازی درباره این مسئله فرموده‌اند:

تعلیم و تربیت دیکتاتوری، زمینه دیکتاتورسازی و دیکتاتورپذیری است؛ با این وجود، اگر والدین به‌عنوان مربی فرزندان، در روند تربیت به فرزند خود نهیب زند و فرزند هم سکوت کند، در بزرگسالی هم اگر اجانب نهیب زنند، او ساکت می‌شود؛ بنابراین، تعلیم و تربیت والدین، زمینه‌ساز حکومت آینده است و بستر دیکتاتوری یا هر نظام دیگر از طریق تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد و متقابلاً همین نوع تربیت در مدرسه نیز اجرایی شود؛ به این صورت که مربی وقتی دیکتاتور باشد، در هنگام تدریس، به سؤالات مربی یا پاسخ نمی‌دهد و یا با بی‌احترامی، او را تحقیر می‌کند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۵۹).

این بدترین نوع تربیت است و موجب می‌شود مربی در آینده، هر کار ناشایستی انجام دهد.

علت این مسئله که بسیاری از افراد در دوران طفولیت، پاک و معصوم‌اند و در بزرگسالی به افرادی شرور تبدیل می‌شوند، آن است که در کودکی، با توسل به زور و استبداد، به انجام دادن عبادات و کارهای صحیح وادار می‌شده‌اند و چون این اجبار، توأم با استخفاف بوده است، آنان ناگزیر اطاعت می‌کرده‌اند. والدینی که با تحقیر، بچه‌ها را

مطیع فرمان خود می‌کنند، مطابق اصول فطرت انسانی عمل نمی‌کنند و طبیعت‌گرا هستند؛ یعنی ابتدا عصبانی می‌شوند و سپس صحبت می‌کنند. آن عصبانیت، فطرت را پس می‌زند و در این حالت، طبیعت برمی‌خیزد؛ از این جهت توصیه می‌شود هنگام بروز عصبانیت، سکوت اختیار کنیم؛ زیرا در این حالت، درواقع، طبیعت حرف می‌زند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۹۵-۱۹۶).

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند استعداد دینی کودک را با اکراه و استبداد نمی‌توان پرورش داد. اگر وضعیت محیط به نحوی طراحی شود که کودک در مسائل دینی و معنوی تردیدی نداشته باشد، تنها وابسته به آن محیط انجام وظیفه می‌کند؛ ولی به محض خروج از آن محیط، آسیب‌پذیر می‌شود؛ بنابراین، اگر فرزند در محیط خانه، نماز بخواند، رفتارش وابسته به آن محیط است و احتمالاً در محیط جدید، به گونه‌ای دیگر عمل خواهد کرد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۸۵).

بنابراین، والدین یا مربی نباید محیط را به صورتی درآورند که متربی بدون هیچ‌گونه اختیاری اطاعت محض داشته باشد و بر این اساس، یکی از کلیدهای ارتباط با متربی، انعطاف‌داشتن است. آموزش بدون وجود انعطاف، نتیجه‌ای جز عمل خلاف یا توأم با اکراه نخواهد داشت؛ از این روی، مربی موظف است متربیان را طوری تربیت کند که در هر وضعیتی به اعتقاداتشان پایبند بمانند. استبدادورزیدن در تربیت، مانع رشد متربی می‌شود.

۳-۲. مدارا

یکی از اصولی که مربی باید در فرایند تربیت مدنظر داشته باشد، مداراست. مربی نباید بر متربی سخت بگیرد. توقع زیاد و نابجا از متربی، سبب بروز آسیب‌های مهمی مانند دروغ‌گویی و پرخاشگری می‌شود و مدارا و پرهیز از خشونت و سخت‌گیری، نقش اساسی در تربیت فرزندان دارد. خشونت‌ها و سخت‌گیری‌های نابجا، از تربیت درست متربیان و هدایت آنان جلوگیری می‌کند و موجب انحراف آنان می‌شود.

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند:

مربی نباید چیزی بر متربی تحمیل کند و تنها به‌عنوان یک یادآوری‌کننده است. در قرآن کریم، خدای متعال در این مضمون به پیامبر می‌فرماید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»

كَسَتْ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ^۱: «ای پیامبر! تو فقط یادآوری‌کننده هستی و بر آن‌ها چیره نیستی»؛ لذا بر این اساس، مربی نیز بر متربی، چیره و مصیطر نیست؛ بلکه فقط حالت یادآوری‌کننده برای او دارد. اگر پدر و یا مربی بخواهند اختیاراتی فوق اختیارات پیغمبر طلب کنند، منجر به کنش و جدال بین آن‌ها می‌گردد؛ به این خاطر که انسان سیطره و سلطه کسی را نمی‌پذیرد و اگر چنین چیزی را احساس کند، آن را اعلان جنگ تلقی می‌کند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۳۱).

بدین ترتیب، برای جلوگیری از طغیان کردن و آسیب دیدن متربی، مربی نباید بر وی سخت بگیرد؛ بلکه باید تنها تکالیفی در حد توان متربی را از وی انتظار داشته باشد و همواره با او مدارا کند.

۳-۳. محبت‌ورزی معتدل و بجا

یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی کودک، برخورداری از محبت است. محبت در سازندگی متربی، بسیار مؤثر است، در پرورش دادن روح و روان کودک، حکم غذا برای پرورش دهی جسم را دارد و می‌توان آن را پل ارتباطی اصلی بین مربی و متربی دانست؛ ولی مربی باید به‌خاطر داشته باشد که میزان محبت به متربی را کنترل کند و از افراط و تفریط در این زمینه بپرهیزد تا متربی دچار سرخوردگی و شکست نشود.

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند:

پدر نباید به عنوان یک مربی، محبت‌های خود را بی‌اختیار به فرزند عرضه کند. در واقع، اگر وی در برابر فعلی که از فرزندش صادر می‌شود، محبت اندکی بروز دهد، منجر به راغب شدن فرزند برای فعل بهتر می‌شود؛ به این خاطر که فرزند به رابطه مستقیم فعل ارزشمند و محبت افزون پی برده است؛ پس پدر نباید در بخشش عاطفه ول‌خرجی کند تا اینکه دیگر چیزی نداشته باشد که فرزند بخواهد به‌خاطر کسب آن، لیاقتی نشان دهد؛ لیکن در تشویق طفل، بخیل باشد تا او رشد و حرکت کند. منظور از بخیل بودن یعنی نه شدیداً دست‌بسته، نه کاملاً دست‌باز؛ بلکه برای هر مقداری از محبت یا خشمش نظم داشته باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۲۲۴).

مربی نیز مانند والدین باید در روند تربیت مربی، محبت‌های خود را کنترل کند تا مربی برای رسیدن به محبت مربی بکوشد؛ بنابراین، محبت‌ورزی، زمینه‌ساز شکوفایی مربی است و می‌توان از آن به‌عنوان راهی برای ایجاد رابطه خوب با او استفاده کرد.

۳-۴. پرهیز از رفتارهای آزاردهنده

یکی از عواملی که باعث می‌شود مربی ارتباط خوب خود با مربی را حفظ کند، پرهیز از رفتارهایی است که به‌نوعی برای مربی، آزاردهنده هستند. یکی از رفتارهای رایج در نظام تربیت، پنددادن است که افراط در آن، آسیب‌هایی قابل توجه را در پی دارد و موجب بروز اختلال در روند ارتباط مربی و مربی می‌شود.

آیت‌الله حائری شیرازی در این زمینه فرموده‌اند:

نصیحت به‌سان دانه و فکر به‌سان زمین است؛ پس والدین و مربی که مسئول تربیت طفل می‌باشند، باید توجه داشته باشند که در این زمینه، چقدر بذری می‌توانند بپاشند تا ثمر دهد و در صورت عدم توجه به این مسائل، آن دانه‌ها سبز نمی‌شود و اگر هم سبز شوند، همدیگر را خفه می‌کنند. موعظه و نصیحت زیاد نیز در یک فضای کم، باعث می‌شود که حرف‌ها یکدیگر را بپوشانند. اگر برای درخت، فاصله‌هایی قرار می‌دهد تا شکوفا کند، در سخن‌گفتن نیز باید فاصله بین سخن‌ها مشخص و زمینش آماده باشد و احساس نیاز کرده باشد تا این سخن‌ها بتواند در آنجا جا بگیرد. بسیاری از مربیان معتقدند هرچه بیشتر سخن بگویند، برای مربی، بهتر است؛ در صورتی که بدتر می‌شود؛ به‌دلیل اینکه هنوز زمین را آماده نکرده و می‌خواهد در آن، درخت بنشانند. مقدمات قبلی برای اینکه مربی احساس نیاز کند، بسیار بیشتر از خود سخن‌گفتن است (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۰).

۳-۵. استحقاق محوری

مربی باید درست یا غلط‌بودن رفتار مربیان را به‌صورت دقیق تشخیص دهد و متناسب با هر مورد، پاسخ و واکنش درست داشته باشد.

آیت‌الله حائری شیرازی در این زمینه معتقدند:

مربی با برخورد یکسان با شاگردان، موجب فساد آن‌ها می‌شود. حضرت علی- علیه السلام- نیز در نامه‌ای به مالک اشتر، براساس همین نکته می‌فرماید: «خوب و بد در نظرت یکسان نباشد و همچنین در نوع طرز برخورد با آدم فاسق و صالح

هم یکسان عمل نکن؛ زیرا موجب فساد هردو می‌شود؛ به این منظور که هم فرد خوب را بد می‌کنی و هم فرد بد را بدتر می‌کنی و این، موجب گستاخ کردن فرد فاسد و همچنین دل‌سرد کردن شخص خوب است در عمل به وظایفشان؛ تنها به این خاطر که در تو بی‌اعتنایی دیدند؛ بنابراین، موظفی با مفسد، چنان برخورد کنی که دیگران که افساد می‌کنند، در تصمیمشان تجدیدنظر کنند و درصدد اصلاح کار خویش برآیند» (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۳).

مربی باید در نحوه مواجهه با متریان، عملکردی متناسب با هریک از آنان داشته باشد و همواره اعتدال را رعایت کند؛ اما از آن سوی، حق هیچ کس را تباه نکند تا موجب فساد دیگر متریان نشود.

۴. مهارت‌های روشی

در فرایند تربیت، دانش‌ها و بینش‌هایی منتقل، نهادینه و تثبیت می‌شوند، گرایش‌هایی همسو با آموخته‌ها در مربی شکل می‌گیرند و درنهایت، برای عمل کردن به آموخته‌ها زمینه‌سازی می‌شود؛ لذا در این راستا و با عنایت به دیدگاه آیت‌الله حائری، مربی باید از مهارت‌هایی به شرح ذیل برخوردار باشد تا بتواند آموزش را به صورت مؤثر انجام دهد:

۴-۱. تقویت تفکر

به عقیده آیت‌الله حائری شیرازی، مربی موظف است با استفاده از راه‌های درست، ملاک‌های ارزشی و انسانی را به مربی آموزش دهد؛ زیرا اگر مربی قادر به شناخت ملاک‌های ارزشی نباشد، وابستگی در جهت تعیین ملاک از سوی مربی شکل می‌گیرد و درنهایت، مانع از تفکرورزی مربی می‌شود؛ بنابراین، مربی باید با آموزش دیدن، قدرت سنجش ملاک‌ها را به دست آورد تا بتواند با دلیل و بصیرت کافی، راه خود را ادامه دهد؛ به عبارت دیگر، در صورت بروز هرگونه سؤال و شبهه از طرف مربی، مربی نباید با پاسخ دادن به تمام مسائل، وی را به موجودی مقلد و عاجز تبدیل کند؛ بلکه کافی است تنها، ملاک حق و باطل را در اختیارش بگذارد یا راه وصول به پاسخ پرسش را به او نشان دهد تا مربی در مواقع مختلف بتواند مسائل دیگر را بشناسد و به آن‌ها پاسخ گوید (حائری شیرازی، ۱۳۹۶، الف، ص. ۱۳۵-۱۳۶).

درواقع، تفکر، ریشه و اساس اعمال و رفتارهای انسان است و هرچند عوامل خارجی در این حوزه، اثرگذار به نظر می‌رسند، عامل حقیقی، طرز تفکر و برداشت

انسان از عوامل خارجی است؛ مثلاً گرچه به ظاهر، خانه، خانواده و محیط تحصیلی، عامل و انگیزه بسیاری از فعالیت‌های انسان هستند، اتکا به آن‌ها، به طرز تفکر انسان بازمی‌گردد. نکته قابل توجه، این است که اگر مربی در انجام دادن کاری قوه تفکر خویش را به کار نگیرد و بدون توجه به جوانب عملی، آن را انجام دهد، دچار تباهی خواهد شد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۶۹).

بنابراین، درحیطه تربیت، ظاهرینی و سطحی‌نگری در مسائل، و تعصب بیجا داشتن، درست نیست. مربی موظف است قوه تفکر و تعقل مربی را پرورش دهد تا وی سبک‌اندیشه نشود و در صورت نیاز به قضاوت، از روی احساسات اقدام نکند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۸۹).

بنابراین، اگر مربی یا والدین، مطلبی را در دوران طفولیت مربی یا فرزند به وی بیاموزند، او را به سمت به کارگیری هرچه بیشتر عقل سوق دهند، و از وی بخواهند در هر زمینه‌ای ابتدا بیندیشد و سپس اقدام کند، از آن کودک یا مربی، فردی پویا و مستقل می‌سازند که در هر وضعیتی خودش می‌تواند تصمیم درست گیرد.

۴-۲. داستان‌گویی

یکی از راه‌های انتقال دادن مفاهیم تربیتی، استفاده از روش داستان‌گویی است. داستان، قالبی برای بیان غیرمستقیم مفاهیم و پیام‌های تربیتی است و مربی باید بتواند از شیوه‌های مختلف برای انتقال دادن مفاهیم با استفاده از این قالب بهره گیرد.

آیت‌الله حائری شیرازی در این زمینه فرموده‌اند:

همان‌طور که رسول اکرم برای مردم، آیات قرآن را می‌خواند، مربی نیز باید از شیوه داستان‌گویی استفاده کند؛ به‌عنوان مثال، با تعریف و تحلیل داستان فرعون، موسی و قارون، و سپس شبیه‌سازی آن با زمان حال، فرعون و موسای زمان را برایش مجسم کند؛ در این صورت، وقتی مربی کسی را اذیت کرد، آگاه باشد که عمل فرعونی از وی سر زده است و درمقابل، وقتی به کسی کمک می‌کند، بداند که عمل موسایی از وی نمایان شده است و بداند که این دو جنبه، در وجود هر انسانی وجود دارد. گاهی یک مربی چنان اثر گذاری قوی‌ای بر مربی دارد که وی دست به ایجاد یک انقلاب در جامعه می‌زند؛ به‌عنوان مثال، پسر یزید به دلیل اینکه منقلب شده بود، حکومت را قبول نکرد و معتقد بود که خلافت در صلاحیت

خانواده پیغمبر است و غیر از آن‌ها غاصب این خلافت هستند. مربی طبق این روش می‌تواند از روی عالم پرده‌برداری کند و حقیقت این عالم را به مربی نشان دهد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۴۲).

درواقع، مربی با استفاده از این روش می‌تواند بستر مناسبی را برای نصیحت کردن مربی فراهم کند؛ زیرا کودکان قدرت چشمگیری در فهمیدن داستان دارند و می‌توان گفت به گونه‌ای آن را می‌بلعند (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۲۳۰)؛ مثلاً وقتی مربی داستان فرعون و موسی را تعریف می‌کند، بزرگ‌ترین درس زندگی را به متربیان می‌دهد و به آنان می‌آموزد که چگونه با مسائل مختلف مواجه شوند (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۳۹).

۳-۴. بازی کردن

از دیگر راه‌های تفهیم مفاهیم ارزشی، بازی کردن است. بازی درزمره نخستین ابزارهای تربیتی‌ای قرار دارد که کودکان با آن آشنا می‌شوند. رعایت کردن برخی ضوابط بازی از سوی مربی، سبب می‌شود این ابزار، از شیوه‌های تربیتی مهم باشد؛ همچنین موجب شخصیت‌دهی به مربی می‌شود و عامل رشد و سلامت وی به‌شمار می‌آید. بازی کردن با کودکان، روح آنان را لبریز از شادی می‌کند و شکوفایی حس استقلال و اعتماد در باطن آن‌ها را به‌دنبال دارد.

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند:

بازی کردن به معنی کوچک کردن و بزرگ کردن نیست؛ بلکه بازی با بچه‌ها به آن‌ها شخصیت می‌دهد؛ در صورتی که لغو و افسارگسیختگی نباشد. پیامبر اکرم با بچه‌ها بازی می‌کردند؛ با این تفاوت که تفریح رسول اکرم با بچه‌ها منتهای شخصیت بخشی و روح‌دهی به آن‌ها بود و ایشان با بازی، بچه‌ها را با خود به عالم بالا می‌بردند و بازی ایشان، بازی و تفریح انسان ذاکر است (حائری شیرازی، ۱۳۹۶، الف، ص. ۲۰۴).

کودک فطرتاً به بازی کردن میل دارد و مربی از طریق بازی کردن با کودک می‌تواند بسیاری از مشکلات روانی و عاطفی وی را حل کند؛ بنابراین، مربی نباید بازی کردن با مربی را سبب کسرشان خود بداند؛ بلکه باید بکوشد تا از این طریق، پیام‌ها و مفاهیم تربیتی را به وی القا کند.

۴-۴. پرسشگری

با توجه به تأکید قرآن کریم بر تفکر و تعقل، یکی از الزامات پرورش تفکر، اصل پرسشگری است. در این روش، قبل از اینکه پیام تربیتی داده شود، از طریق پرسش، زمینه‌سازی برای جذب پیام تربیتی صورت می‌گیرد؛ بدین نحو که از متریان درباره مسائل مختلف سؤال می‌شود تا آنان با استفاده از تفکر به پاسخ دست یابند در صورت دورشدن از پاسخ صحیح، مربی باید متربی را راهنمایی کند.

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند برای پرورش دادن قوه تفکر فرزند باید از وی سؤال کرد تا او به تفکر وادار شود. اگر درحین تفکر، نیاز به راهنمایی وجود داشت، نباید در اطلاع‌رسانی، بیش از حد سخاوت به خرج داد تا خود فرزند به پاسخ برسد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۸۹)؛ بنابراین، مربی با استفاده از شیوه پرسش از متربی، قوه تفکر وی را پرورش می‌دهد تا دریچه ذهن او گشوده شود و متربی به دید وسیع دست یابد.

۴-۵. مهارت‌آموزی

وظیفه مربی، تنها آموزش دادن نیست؛ بلکه او باید زمینه مساعد برای عمل کردن به آموزه‌ها را برای متربی ایجاد کند. آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند:

مربی وظیفه‌اش نزدیک کردن فاصله علم و عمل است؛ به‌قسمی که آنچه می‌داند را عملی کند؛ لذا باید دقت داشته باشد که چیزی را به متربی تعلیم دهد که قابل اجرا باشد؛ به این جهت که تذکرات غیر قابل اجرا نه تنها موجب پیشرفت متربی نمی‌شود؛ بلکه زمینه پسرفت وی را نیز فراهم می‌کند. هنگامی که مربی تکلیفی بر متربی واگذار کند که وی قادر به انجام آن نباشد، درواقع، وی را مجبور به تخلف کرده است که از لحاظ اخلاقی، اثر سوئی خواهد داشت (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۱۸۱).

از طرفی عمل به علم، موجب دریافت علم جدید می‌گردد. درواقع، کلید فتح قفل‌های علم، عمل به علم‌هاست. کسانی که به علمشان بیشتر عمل می‌کنند، قفل‌های علوم برای آنها گشوده می‌شود (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۷۷-۷۹).

بنابراین، مربی باید در تربیت متریان خود به این مسئله توجه کند که تعلیم به اندازه‌ای باشد که آنان فرصت و موقعیت لازم برای تجربه و تمرین کردن، و بازخورد دادن به وی را داشته باشد.

۴-۶. اغماض از اشتباهات مربی

یکی از موضوعات بسیار مهم در روابط مربی و مربی، چشم‌پوشی از اشتباهات جزئی متریان است. آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند:

روش مربی نباید به‌گونه‌ای باشد که مربی از او بترسد و یا حساب ببرد؛ به‌نحوی که اگر مربی قادر به انجام تکالیف خود به‌دلیل تفریح و یا بی‌تفاوتی نبود، با دروغ گفتن بتواند از زیر بار مسئولیت، شانه خالی کند و درنهایت با بازخواست مربی مواجه نگردد؛ بنابراین، اگر مربی علت اصلی را تفریح و یا بی‌تفاوتی اعلام کند، مربی این را به حساب پررویی او می‌گذارد؛ لیکن اگر به‌دروغ، علت آن را بیماری معرفی کند، در این صورت، مطمئن می‌شود که حساب برده است؛ پس وقتی معنی حساب‌بردن، این باشد، نتیجه عکس برجای می‌گذارد؛ به این خاطر که با راست‌گویی مؤاخذه می‌شود؛ لیکن با دروغ‌گویی، از عواقب درآمان می‌ماند و دروغ‌گفتن را سپر بلای خود انتخاب می‌کند؛ بنابراین، مربی نباید با تفکر اشتباه، کودک را به سمت نفاق و تظاهر سوق دهد؛ بنابراین، وقتی استمرار فعل زشت از جانب مربی برای والدین یا مربی، غیر قابل تصور باشد، پس همیشه سعی بر این دارد کار زشت خود را پنهان نگاه دارد و با چهره اصلی ظاهر نشود که این روش، خود باعث استمرار دروغ می‌گردد که تنها علت آن، نپذیرفتن صدور افعال زشت از جانب مربی بوده است؛ همان‌طور که در قرآن کریم آمده: «رَبَّنَا وَكَا تَحْمِلُنَا مَا لَّا طَاقَةَ لَنَا بِهِ»؛ «پروردگارا! آنچه تاب آن نداریم، بر ما تحمیل مکن!»؛ پس روش مربی اخلاق نیز درقبال حد تکالیف مربی باید این‌گونه باشد تا مرتکب خطا و گناه نگردد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۹۱-۱۹۳).

بدین ترتیب، مربی باید از خطای مربی چشم‌پوشد تا وی با دروغ‌گویی و عادت کردن به آن، به سمت گناه نرود و دچار آسیب و زیان نشود و درنهایت، نگون‌بختی دنیوی و اخروی در انتظارش نباشد.

۴-۷. تشویق و جایزه

انسان فطرتاً به تشویق علاقه‌مند است و بر این اساس، جایزه‌دادن به مربی، سبب افزایش یافتن فعالیت‌ها و رفتارهای صحیح از جانب وی می‌شود. مسئله مهمی که مربی باید به آن توجه کند، این است که نباید در تشویق افراط و تفریط کرد؛ بلکه باید در مواقعی مشخص از این راهکار بهره‌گرفت تا شخصیت کودک به درستی شکل گیرد؛ همچنین تشویق نباید موجب بروز غرور و خودبینی در کودک شود و به گونه‌ای باشد که کودک گمان کند از دیگران برتر است.

آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند: «اعطای جایزه به مربی، موجب فعال‌شدن فکر مربی می‌گردد؛ به عنوان مثال، مربی اعلام کند که "هریک از مربیان قادر باشد بر فکر من نقض و اشکال وارد سازد، جایزه داده می‌شود"» (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۷۶). در این روش، مربی مربی را به اندیشیدن ترغیب می‌کند. گاه لازم است مربی از شیوه‌هایی استفاده کند که برای مربی جذابیت دارند؛ اما نباید بابت هر کار خوبی که مربی انجام می‌دهد، برایش جایزه تعیین کرد؛ زیرا این کار، شرطی‌شدن مربی را در پی دارد. آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند برای اینکه مربی دچار عُجب نشود، مربی نباید بعضی کارهای وی را بسیار مهم جلوه دهد؛ بلکه باید آن‌ها را عادی قلمداد کند (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۸۹)؛ زیرا در صورت عادی‌انگاری کار مربی، وی دیگر منتظر تشویق از جانب مربی خود نخواهد بود.

به عقیده ایشان:

عادت به تشویق و تنبیه، هر دو خطرناک است و باید آن را مثل دارو مصرف کرد و نباید مربی را شرطی ساخت تا با هر کار مثبت، منتظر تشویق و با هر کار ناشایست، منتظر تنبیه باشد که این، خود آسیب‌زننده می‌باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ الف، ص. ۲۶۹).

لذا در استفاده از تشویق و تنبیه باید قواعد و اصول آن‌ها را در نظر داشت؛ زیرا در صورت رعایت نکردن حدود این دو راهکار، آسیب‌هایی مهم بروز خواهند کرد.

۴-۸. تنبیه

مربی باید برای آگاه‌کردن مربی بکوشد و بدین منظور، لازم است که خود وی از مسائل مختلف آگاه باشد. مربی زمانی می‌تواند مربی را تربیت کند که در وهله نخست،

خودش آگاه باشد و سپس براساس این آگاهی، مربی را به سوی نیکی‌ها دعوت کند. یکی از راه‌های آگاه‌سازی، تنبیه است. آیت‌الله حائری شیرازی معتقدند:

به دلیل وضعیتی که انسان دارد، تنبیه، تأثیر بهتری از تذکر دارد؛ چون انسان گاهی به تذکر اهمیت نمی‌دهد؛ لیکن ممکن نیست که رنج واردشده را درک نکند. درحقیقت، چیزی که مانع فهم انسان می‌شود، لذت است و رنج می‌تواند انسان را از خواب بیدار کند (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۴۳). تا جایی که ممکن است، مربی نباید با تنبیه، به شخصیت طفل، ضربه وارد سازد؛ چون تنبیه برای ساختن است؛ نه کوبیدن طفل (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۲۰۳).

درواقع، فلسفه تنبیه، ایجاد شخصیت در مربی است و همچنین موجب بیدارشدن عقل می‌باشد (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۴۷-۱۴۸). بنابراین، مربی موظف است برای آگاه‌کردن مربی، وقتی از شیوه تنبیه استفاده می‌کند، باید بداند که تنبیه باید حساسیت‌زا باشد؛ نه اینکه طفل را فاقد حساسیت کند. گاهی بعضی تنبیه‌ها حساسیت را از طفل می‌گیرد و شخصیت او را خرد می‌کند؛ بنابراین، وقتی فرزند این‌گونه در روند تنبیه انداخته شود، پدر مجبور است به تدریج، ضریب تنبیه را افزایش دهد تا اینکه مؤثر واقع گردد؛ درحالی که روش تنبیه باید برعکس باشد؛ به این صورت که به تدریج، از شدت تنبیه کاسته شود و طفل با تنبیه کمتری متنبه شود و حساسیت نشان دهد. در صحبت و تذکر نیز همین‌طور است: اگر مربی در مرتبه اول، تندی و پرخاشگری از خود نشان دهد، حساسیت طفل نیز کاهش می‌یابد؛ سپس در مراتب بعدی باید کلمات تندتری به کار برَد و اگر هم حساسیتش به این کلمات کاهش یابد، باید بر خشونت کلمات افزون دارد تا اینکه از حرف‌های رکیک برای یک کار جزئی استفاده کند و این تنها به‌خاطر این است که طفل دیگر به تنبیهات لفظی، حساسیت نشان نمی‌دهد. این روش دقیقاً ضد روش تربیت اسلامی است. در روش اسلامی، فرد باید به سخنی که می‌شنود، حساسیت نشان دهد؛ پس تنبیه هنگامی که نفسانی باشد، منجر به از بین رفتن حساسیت طفل می‌گردد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۲۲۶).

پس روند کار، این است که طفل چنان تربیت شود که اگر تذکر لازم بود، در مرتبه بعدی با یک نگاه، وی متوجه شود. درحقیقت، وقتی گوش انسان مکرراً صداهای ناهنجار بشنود، حساسیت پرده گوش از بین می‌رود و در مراتب بعدی، دیگر صدا برایش مهم نیست؛ چون حساسیتش را ازدست داده است (حائری شیرازی، ۱۳۹۶ الف، ص. ۱۵۴)؛ همان‌طور که ائمه ما وقتی می‌خواستند تذکر بدهند، با قهرکردن تذکر می‌دادند (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۲۲۹).

تنبیهاتی که مربی برای متربی در نظر می‌گیرد، باید از خطای خود متربی نشئت گرفته باشند؛ زیرا وقتی کمبودهای مربی، علت تنبیهات باشد، این اقدام بر متربی اثراتی سوئی می‌گذارد و او را از آنچه هست، بدتر می‌کند؛ چون در این حالت، متربی احساس می‌کند به ابزاری برای تسکین دادن خشم مربی تبدیل شده؛ هرچند ممکن است نتواند این مسئله را ابراز کند. در چنین وضعیتی قطعاً مربی در تربیت کودک، موفق نخواهد شد (حائری شیرازی، ۱۳۹۷ ب، ص. ۲۲۱).

بنابراین، هدف مربی از تنبیه باید فقط هشیار و بیدارکردن متربی باشد و نباید از این راهکار برای تسکین دادن خشم خود استفاده کرد. تنبیه متربی نباید به شخصیت وی ضربه بزند؛ زیرا فلسفه واقعی تنبیه، چیزی جز حفظ کرامت و شخصیت متربی نیست. در روند تربیت باید به نحوی عمل کرد که حساسیت ایجاد شود؛ نه اینکه حساسیت در متربی از بین برود و در مراتب بعدی تنبیه، متربی واکنشی نشان ندهد.

۴-۹. کاستن تدریجی کنترل بیرونی

مربی نباید همیشه متربی را تحت کنترل خود داشته باشد؛ بلکه گاه باید وی را به حال خود رها کند تا ببیند او چگونه خودش را کنترل می‌کند. آیت‌الله حائری شیرازی در این زمینه معتقدند:

در فرایند تربیت، مربی گاهی متربی را رها می‌کند و گاهی نیز باید او را در اختیار داشته باشد و از او مراقبت کند؛ یعنی متربی را از رفتن به راه خطا بازدارد و به راه صحیح هدایت کند و طبق یک برنامه زمان‌بندی شده ره‌ایش کند. دوره رهاکردن متربی، بسیار حساس و نیازمند آگاهی کامل می‌باشد؛ به این خاطر که بتواند بعد از رهاشدن، به راه خود ادامه دهد و آسیب نبیند. درواقع، سلامت در وابستگی برای

صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی بر اساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی/فهیمة یوسفی کیا و دیگران ۳۱۳

انسان، هلاکت است؛ درحالی که زخمی شدن در حفظ تعادل، سعادت است (حائری شیرازی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۹).

بدین ترتیب، وظیفه مربی این است که مربی را به تدریج رها کند؛ ولی قبل از آن، باید وی را به بلوغ برای انتخاب برساند تا وی بتواند در آینده، مسیر خود را انتخاب کند و گمراه نشود؛ بنابراین، بهترین روش برای تربیت کردن مربی، ایجاد خوداتکایی در اوست تا با استفاده از آن، وی بتواند در هر وضعیتی روی پای خود بایستد و متکی به دیگران نباشد. مربی موظف است مربی را طوری پرورش دهد که وی در صورت رهاشدن بتواند مسیر خود را ادامه دهد و از توانایی‌ها و قابلیت‌های خویش غافل نشود.

جدول ۱. خلاصه صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی بر اساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی

صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی بر اساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی	
شکوفاسازی شخصیت انسانی	هدف‌گزینی مناسب
استقلال یابی مربی	
کمال یابی معنوی	
ایمان	خصلت‌های شخصیتی لازم برای مربی
اخلاص	
دانش اندوزی مداوم	
وفای به عهد	
نظم‌گرایی	
انعطاف‌ورزی	
مدارا	
محبت‌ورزی معتدل و به جا	
پرهیز از برخوردهای آزار دهنده	
استحقاق‌محوری	
تقویت تفکر	
داستان‌گویی	
بازی	
پرسشگری	
مهارت‌آموزی	
اغماض در اشتباهات	
تشویق و جایزه	
تنبیه	
کاستن تدریجی کنترل بیرونی	

نتیجه‌گیری

مطالعه گسترده و تبیین مجموعه آرای صاحب‌نظران کشورمان درباره شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و مربیان به‌عنوان یک کلان‌پروژه ملی، از ملزومات پی‌ریزی و تعالی نظام تربیتی کشور به‌شمار می‌آید و صورت‌بندی دقیق آرای متنوع اندیشمندان در این عرصه، زمینه مساعد برای طراحی الگویی جامع از مؤلفه‌های اثرگذار بر فرایند آموزش‌دهی مربیان را فراهم می‌کند. در این پژوهش، صلاحیت‌های لازم برای مربی شایسته و اثرگذار بر مربی، بر مبنای دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی، در قالب چهار محور به‌دست آمد: هدف‌گزینی مناسب، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های روشی؛ از این روی، در پژوهش حاضر، صلاحیت‌های مربی با ابعاد گسترده‌تری استخراج و تبیین شد؛ بر این اساس، مشخص شد تربیت مربی، فرایندی بسیار مهم، چندوجهی، نظام‌مند و طولانی‌مدت است و از این روی باید دقت لازم وجود داشته باشد تا معلمان با خصوصیات اخلاقی پایه خوب جذب شوند؛ همچنین در تربیت نیروی انسانی باید آموزشی کامل برای تقویت بینش خود مربیان، پرورش دادن خصلت‌های مطلوب، و تقویت مهارت‌های ارتباطی و روشی صورت گیرد؛ سپس در نحوه ارتقای سطح معلمان دقت شود تا بازآموزی و تقویت مداوم آن‌ها صورت گیرد و در نهایت، در ارزشیابی معلمان، به تمام موارد به‌دست‌آمده توجه شود.

نکته دیگری که در این پژوهش دریافتیم، مربوط به تنوع شیوه‌های تربیتی و بر این اساس، ضرورت مهارت زیاد مربیان در انتخاب و به‌کارگیری روش‌های مناسب است. فرایند تربیت شخص از بدو تولد وی شروع می‌شود و با توجه به وضعیت و دوره‌های گوناگون زندگی، روش‌های متفاوتی را می‌طلبد. انتخاب روش‌های تربیتی در بازه‌های سنی شامل تولد تا جوانی و حتی بسته به تفاوت‌های فردی مربیان، متفاوت است و کسی که تربیت یک انسان را برعهده می‌گیرد، باید مجموعه‌ای از روش‌ها را در خزانه مهارت‌های خود داشته باشد تا بر مبنای موقعیت، روش مناسب را به‌کار گیرد.

یکی از نکات درخور توجه در دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی، به‌رسمیت‌شناختن میل به حریت، استقلال و خودمختاری مربی است. از نظر ایشان، این استقلال و خودمختاری، از عقلانیت و حریت مربی نشئت می‌گیرد؛ بدان معنا که اگر انسان این

احساس استقلال و حریت را نداشته باشد، موجودی ناقص و تحقق نیافته خواهد بود؛ لذا مربی هرگز نباید تمایل متری به استقلال و خودمختاری، و بعضاً مقاومت او در برابر تحمیل‌های بیرونی را درهم شکند و به عبارت دیگر، اراده آزاد او را مهار کند؛ همچنین نباید وی را به گونه‌ای مطیع و منفعل پرورش دهد. اگر مطلب یا طرز فکری به متری تحمیل شود، وی به صورت طبیعی در برابر آن مقاومت می‌کند و از پذیرش سر باز می‌زند. آیت‌الله حائری شیرازی این واکنش را مثبت تلقی کرده و هیچ‌گاه در صدد مهار کردن و درهم شکستن اراده و حریت متری نبوده‌اند؛ بلکه آن را فرصتی دانسته‌اند که مربی می‌تواند با استفاده از آن، متری را به گونه‌ای مستقل پرورش دهد؛ از این روی، مربی حتی الامکان به صورت غیرمستقیم، جهت را به متری نشان می‌دهد تا وی خود راه را برگزیند.

عاملیت متری معمولاً بر اساس عقل و اراده تبیین می‌شود؛ ولی آیت‌الله حائری شیرازی عاملیت متری را در پرتو حریت و عقلانیت او تشریح کرده‌اند؛ یعنی متری نه تنها به خاطر مرید و به جهت مختار بودن، عقلانیت و بررسی عقلانی گزینه‌ها امکان انتخاب دارد؛ بلکه به دلیل حریت، شدیداً به انتخابگری متمایل و علاقه‌مند است و به صورت طبیعی در برابر تحمیل مقاومت می‌کند؛ در حالی که اساساً یکی از اشکالات وارد بر نظام تربیتی ما این است که معمولاً دانش‌آموزان، دانشجویان و در سطوح بالاتر، مثلاً کارکنان مطیع، افرادی مثبت تلقی و تحسین می‌شوند؛ همچنین یکی از دیگر کاستی‌های این نظام، اجباری بودن تربیت و کم‌توجهی به آزادی و اختیار دانش‌آموزان در آن است. به هر حال، در تربیت متری از دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی، عمدتاً روش‌های متنوع و غیرمستقیم در فضاهای آکنده از لذت و خوشایندی را می‌توان یافت. بر این اساس که انسان موجودی عاقل، انتخابگر و آزاد (دارای حس حریت قوی) به‌شمار می‌آید، لازم است:

الف) در فرایند تربیت، از روش‌های متنوع استفاده شود و حتی الامکان، روش‌های مفرح و غیرمستقیم، جایگزین روش‌های مستقیم و یکنواخت شوند.

ب) از طریق تعلیم و ایجاد شناخت، زمینه برای انتخاب درست فراهم آید.

ج) شخصیت خوب پرورش یابد تا متری از آزادی خود به نحو احسن استفاده کند.

د) روش‌های کنترل بیرونی بررسی و به‌درستی انتخاب شوند تا برانگیختگی انگیزه درونی و حرکت خودمتربی تحقق یابد.

بر مبنای نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:
- اصلاح و تکمیل برنامه‌های تربیت معلم و تربیت مربی، و غنی‌سازی دانش و مهارت‌های آن‌ها به‌منظور جذب و آماده‌کردن معلمان و مربیان برای تربیت دانش‌آموزان؛

- برگزارکردن دوره‌های آموزش ضمن‌خدمت و به‌روزرسانی‌کردن مهارت‌های مربیان مدارس و مهدکودک‌ها برای تربیت‌کردن کودکان و دانش‌آموزان؛

- آگاهی‌بخشی به والدین درباره تربیت فرزندانشان از طریق رسانه‌ها، فضای مجازی و فرهنگسراها، و نیز تألیف کتابچه‌های راهنمای والدین برای تربیت فرزندان؛

- والدین برای اینکه مربیان خوبی برای فرزندان خود باشند، قبل از متولدشدن فرزندانشان، ابتدا اخلاق و شخصیت خود را ارتقا دهند و نفس خویش را تهذیب کنند؛

- والدین قبل از متولدشدن فرزندانشان، دانش‌ها و مهارت‌های لازم برای فرزندپروری را در خود تقویت کنند.

منابع

قرآن کریم (ناصر مکارم شیرازی، مترجم).

احمدی‌مهر، نصرالله (۱۳۹۷). مشکلات تعلیم و تربیت در ایران. قابل دسترسی در:

<http://moallemirani.com/30363>.

اسلامی، محمدتقی؛ دبیری، احمد؛ و علی‌زاده، مهدی (۱۳۸۹). اخلاق کاربردی: چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بهروز، زهرا (۱۳۹۴). تقدم تزکیه بر تعلیم و انعکاس آن در ویژگی‌های مربی و معلم از دیدگاه اسلام. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم، قم، ایران.

حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۹۵). حکومت جهانی خدا. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر معارف.

حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۹۶ الف). تربیت دینی کودک. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر معارف.

صلاحیت‌های حرفه‌ای مربی بر اساس دیدگاه آیت‌الله حائری شیرازی/فهیبه بوسفی کیا و دیگران ۳۱۷

- حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۹۶ب). تعلق. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر معارف.
- حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۹۷الف). تفکر. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر معارف.
- حائری شیرازی، محمدصادق (۱۳۹۷ب). مربی و تربیت. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر معارف.
- شعبانی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی تربیت معلم ایران و چند کشور جهان. *تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)*، ۱۹(۷۹)، ۱۲۱-۱۵۹.
- صادق‌بیگی، منیژه؛ و رضایت، غلام‌حسین (۱۳۹۷). تدوین الگوی شایستگی‌های دبیران دبیرستان‌های دولتی ایران. *نوآوری‌های آموزشی*، ۱۷(۶۵)، ۷۵.
- صافی، احمد (۱۳۸۵). *مسائل آموزش و پرورش ایران و راه‌های کاهش آن*. تهران: ویرایش.
- صائمیان، صدیقه (۱۳۸۷). شایستگی‌های نوین سرمایه‌های انسانی در نظام آموزشی سازمان‌های پیش‌رو. *مدیریت*، ۱۹(۱۳۴)، ۱۰-۱۴.
- غلام‌علی‌پور، علی (۱۳۹۷). *عوامل تأثیرگذاری مربی بر مربی در قرآن و حدیث*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۸). *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فلّاح، عاطفه (۱۳۹۱). *شناسایی وضعیت موجود و مطلوب صلاحیت‌های حرفه‌ای مربیان پیش دبستانی از دیدگاه مربیان و مدیران*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
- کمساری، علی (۱۳۹۲). *شاخص‌های تربیت دینی. پیام زن*، ۲۲(۱۱) پایب ۲۶۳.
- کهوکهر، غلام‌علی (۱۳۸۴). *ویژگی‌های مربی در اسلام*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، *جامعة المصطفی العالمیة*، قم، ایران.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). *صلاحیت‌های حرفه معلمی*. تهران: مدرسه.
- میثاقیان اردکانی، ضیاء (۱۳۸۵). *خصوصیات معلم خوب از نظر دانش‌آموزان دبستان‌ها و دبیرستان‌های شیراز و معلمان*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

میریونسی، سید مهدی (۱۳۹۴). بررسی و تعیین شایستگی‌های عمومی و حرفه‌ای معلم براساس مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

نبوی، سید صادق (۱۳۹۲). نقش و جایگاه دانشگاه فرهنگیان در اصلاح نظام آموزش و پرورش کشور. قابل دسترسی در:

<https://cfu.ac.ir/fa/content/4815>.

نیکنامی، مصطفی؛ و کریمی، فریبا (۱۳۸۸). صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان آموزش عمومی و ارائه چارچوب ادراکی مناسب. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۶(۲۳)، ۱-۲۲.

وجدانی، فاطمه (۱۳۸۹). ویژگی‌های مربی از منظر روایات. بصیرت و تربیت اسلامی، ۷(۱۷)، ۱۲۳-۱۴۳.

Freidson, E. (2001). *Professionalism*. Blackwell Publishers.

Myry, L. (2003). *Components of Morality: A Professional Ethics Perspective on Moral Motivation, Moral Sensitivity, Moral Reasoning and Related Constructs among University Students*. Academic Dissertation, University of Helsinki.